یادداشت

راهبرد اقتصادی دولت در شرایط فعلی چه باید باشد؟

ادامه از صفحه اول

قبلا در سال‌های دور، مصوب شده بود که دو درصد از درآمد حاصل از فروش نفت باید به مناطق نفتی کشور مانند خوزستان اختصاص یابد. این نیز در شرایطی صحیح و مقبول است که علاوه بر ادبیات بودجه‌ریزی بخشی و منطقه‌ای و روند متعارف اختصاص بودجه، واقعا سهمیه مناطق نفتی دو درصد بیشتر شود. اما آیا در عمل چنین شده است؟ پس چرا هوای منطقه نفتی، ازجمله بندر امام و ماهشهر به‌شدت آلوده و طبق نظر کارشناسان پزشکی سرطان‌زا شده است؟ چرا جاده‌های بین‌شهری این مناطق استاندارد نیستند و مناطق مهمی مثل مسیر اتصال استان خوزستان به استان بوشهر، دوطرفه و پرحادثه است؟ و بسیاری از نارسایی‌های دیگر در این مناطق که نشان می‌دهد علی‌رغم غنای سرزمینی، از بسیاری از خدمات فاضلابی، تصفیه آب، امکانات بیمارستانی و درمانی و... از مناطق محروم و کم‌برخوردار هستند. اساسا صندوق دولت مشاع است و چنین رویکردی به بودجه‌ریزی بیشتر جنبه شعاری دارد. تفکیک‌های ادعایی در عمل پس از مدت کوتاهی بی‌اثر می‌شوند و بودجه‌ریزی طبق قواعد سنتی ادامه می‌یابد و کمتر تابع روش‌های علمی می‌شود.

دولت باید از روش اداره مملکت بر مبنای تخیلات فکری و گرته‌برداری از بعضی مکاتب فکری، مثل کلاسیک‌های جدید یا پول‌گرایان خارج شود؛ نه به این مفهوم که سراغ کینزین‌های جدید یا مانند اینها برود، بلکه به این مفهوم که باید مسئله‌شناسی کند و به اقتضای اقتصاد ایران تصمیم بگیرد. به این منظور باید به مطالعات کارشناسی بومی به عنوان مأخذی در تصمیم‌سازی رجوع کند؛ یعنی سیاست‌ها حتما باید مبتنی بر اسناد مطالعاتی متعدد باشند و حاصل تضارب اندیشه‌ها شود و جامعه بزرگ علمی ما چنین ظرفیتی را دارد.

هر اندازه دولت کالابرگ توزیع کند یا هر نوع کمک غیرنقدی ارائه دهد، نمی‌تواند به اندازه مهار تورم -حتی به اندازه پنج درصد- به اقشار ضعیف کمک کند. تورم قدرت خرید را کاهش می‌دهد و جمعیت فقیر را بیشتر می‌کند. استمرار آن همه متوسطین را می‌بلعد. همه تلاش و توجه دولت باید به سمت رشد سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی، حمایت از تولید، رشد صادرات -به‌ویژه غیرمعدنی- و مهار تورم معطوف باشد. در این راستا، ارائه وام برای اصابت به رشد سرمایه‌گذاری و تولید، عطای تسهیلاتی مثل زمین و انشعابات برق و... همه با نگاه حمایتی تنظیم شود. نظارت بر مجریان در راستای عدم سوءاستفاده و زیاده‌خواهی‌های رومیزی و زیرمیزی تقویت و تنبیه مؤثر باشد.

تا زمانی که اقتصاد به تولید انبوه و ارزآوری فراوان نرسیده، صحبت از اجرای تک‌نرخی‌کردن ارز یا حامل‌های انرژی، عدم حمایت و رقابتی‌سازی خطای فاحشی است. سهمیه‌بندی و راهبرد حمایتی در اقتصادی که محدود و تحریم شده است، کارکردی قطعی و اجتناب‌ناپذیر است. برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها باید قدرت نظارت افزون شود. آزادترین و بازاری‌ترین اقتصادها که مدعی ارجحیت بهینه‌یابی اقتصاد بازار آزاد در تخصیص منابع هستند، در شرایط وجود محدودیت‌های تحمیلی، تحریم و جنگ، از وضعیت آزاد خارج و در شرایط نظارت، سهمیه‌بندی و برنامه‌ای عمل کرده‌اند.

شورای عالی اقتصاد به کمک دستگاه‌های زیرمجموعه (سازمان برنامه، وزارت اقتصاد، بانک مرکزی، وزارت صمت، کشاورزی، نیرو، شهرسازی و مخابرات) باید چنان سامانه اقتصاد کشور را هدایت کنند، گو آنکه لشکرهای تخصصی (هوایی، زمینی، دریایی و...) یک سپاه هستند که باید مأموریت خاصی را انجام دهند. مأموریت سپاه اقتصادی دولت و سایر موارد مشابه که متعلق به بخش عمومی غیردولتی هستند، در این شرایط چیست؟ رشد سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال کارآمد، تولید برتر، مهار تورم و رشد صادرات و ارزآوری بیشتر از ارزش افزوده‌های غیرمعدنی. همه سیاست‌های پولی، مالی، وضع قوانین و دستورالعمل‌ها، حتی نظارت‌ها و... باید در این راستا عملیاتی شوند. دستگاه‌های نظارتی، مثل مجلس با زیرمجموعه‌هایش (دیوان محاسبات، پژوهش‌های مجلس)، سازمان بازرسی و... باید شاخص‌های اندازه‌گیری داشته باشند و رسیدن به این اهداف را سنجش و تحلیل کرده و موفقیت در انجام تکالیف را محاسبه کنند. قبل از آنکه کار نظارت به دستگاه‌های بیرون از دولت رسد، قوه مجریه خود باید حسابرسی داخلی داشته باشد و طی انجام کارها و مأموریت مدام نسبت به انجام صحیح برنامه‌ها اطمینان حاصل کند و پیوسته بازخورد بگیرد و در صورت لزوم، اقدام به اصلاح عملکرد کند.

سیاست‌های انبساط مالی و پولی یا انقباضی، برقراری دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرائی باید به رشد سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات را با اوصاف یادشده کمک کرده و در ضمن واردات را به سمت تأمین نیازهای خطوط تولید و کالاها و خدمات ضروری هدایت کند. آنها که درگیر امور اجرائی هستند، خوب می‌دانند که یک آپارتمان سه‌طبقه ساختن در اقتصاد ایران چه گرفتاری‌ها و مصائبی دارد، چه رسد به ایجاد کارخانه یا کشت و صنعت پیشرفته. اجرای راهبرد پیش‌گفته نیاز به شناخت روش‌شناسی سیاست‌گذاری مقتضی دارد که در این یادداشت به اهل فن آدرس‌های آن داده شده است.

درباره ضرورت لغو تحریم‌ها

ادامه از صفحه اول

اختلال در زنجیره عرضه موجب افزایش هزینه‌های لجستیک و بیمه و نیاز به واسطه‌ها و استفاده از راه‌های پیچیده حمل برای دورزدن تحریم‌هاست که باعث افزایش بهای کالاها می‌شوند. همچنین تولیدکنندگان داخلی که با مشکل تأمین اقلام اولیه و واسطه‌ای و قطعات وارداتی مواجه‌اند، ناچار از افزایش قیمت‌ها هستند. تحریم همچنین موجب کاهش انواع درآمدهای دولت می‌شود. اما هزینه‌های دولت مانند دستمزدها، هزینه‌های نظامی و امنیتی و یارانه‌ها افزایش می‌یابند. قرض از بانک مرکزی برای پوشش هزینه‌ها بر حجم نقدینگی می‌افزاید و پول بیشتر و کالای کمتر موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود. ابعاد روانی نیز مؤثر است و ازجمله صِرف پیش‌بینی تورم، موجب تورم است؛ چراکه همه را به فکر احتکار و خرید پیشینی می‌اندازد.

امضا کردی، بهایش را بده

ادامه از صفحه اول

این تنها اقدام عملی بود. بعد از آن هیچ رئیس‌جمهوری چنین کاری نکرد و همین خلأ باعث شد امارات جسورتر شود.

اگر ایران هر بار که ادعا مطرح می‌شود با اقدام عملی پاسخ دهد، دیگر هیچ کشوری جرئت امضاکردن چنین بیانیه‌هایی را نخواهد داشت. باید صریح باشیم، مادامی که واکنش ایران غالبا در سطح بیانیه باقی بماند، امارات و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس انگیزه دارند ادعا را در هر چرخه دیپلماتیک بازتولید کنند و از هر همراهی نمادین بیرونی، رنگی تازه به آن بزنند. اما اگر هر چرخه ادعا با یک چرخه اقدام مواجه شود، عقلانیت هزینه‌فایده به‌سرعت زبان ادعا را فرسوده می‌کند. سیاست خارجی موفق، مسابقه تولید متن نیست، بلکه مسابقه تولید نتیجه است. نتیجه در این پرونده کاهش میل تکرار ادعا و تثبیت ادراک عمومی بین‌المللی از مالکیت ایران است.

در نهایت باید تکلیف روشن شود جزایر سه‌گانه نه موضوع مذاکره‌اند و نه موضوع مصالحه؛ آنها خط قرمز ایران هستند. هر ادعا، هر بیانیه، هر امضا باید با اقدام عملی پاسخ داده شود. فقط در این صورت است که دیگران خواهند فهمید تمامیت سرزمینی ایران نه قابل معامله است و نه قابل تردید. امضا کردی، بهایش را بده.

۱۵ سال بعد از بهار عربی روح عصیان کماکان زنده مانده است؟

تراژدی شکست

مهسا مژدهی: آیا ۱۵ سال بعد از نخستین جرقه‌های بهار عربی و پس از شکست‌هایی بی‌رحمانه، می‌توان بزرگداشتی برای این تحول عظیم در خاورمیانه و شمال آفریقا برگزار کرد؟ نگاهی به سرنوشت کشورهای درگیر، باعث می‌شود که با اطمینان خاطری درخورتوجه، در پاسخ به این سؤال «نه» بگوییم. اما آیا روح عصیان، کماکان در کشورهایی که زمانی بهار عربی را رقم زدند، زنده است یا جای خود را به یک کرختی وصف‌ناپذیر حاصل از شکست و سرخوردگی داده است؟

۱۵ سال بعد از خودسوزی محمد بوعزیزی در تونس، خلسه ناشی از انقلاب در پایتخت‌های عربی جای خود را به تردید، گسترش بی‌امان ناامیدی و کرختی ناشی از شکست داده است. یوتوپیایی که جوانان انقلابی به آن دلبسته بودند، جای خود را به سرکوب، فقر بیشتر و تکرار گذشته و استبداد پلیسی داده و خاطره آن لحظه شگرف پیروزی را از خاطرشان زدوده است.

پروژه ناکام دموکراسی

بسیاری بهار عربی را جدی‌ترین تلاش دموکراسی‌خواهانه کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا می‌دانند. با این حال ۱۵ سال بعد، کشورهایی مانند مصر و تونس از دموکراسی فقط به سایه‌ای بسیار جزئی بسنده کرده‌اند و سه کشور دیگر یعنی لیبی، یمن و تا حدی سوریه، کماکان درگیر ترکش‌های ناشی از تحولات پس از بهار عربی‌اند.

در ماه‌های نخست پس از انقلاب‌های عربی، همه چیز نشان از آن داشت که ملت‌ها استبداد را پس زده و در جست‌وجوی روحی تازه‌اند. روحی که با آن روح استبداد زده که سابقه‌ای طولانی در میان آنها دارد، به کلی متفاوت به نظر می‌رسید. انقلابیونی که تعداد زیادی از آنها بین ۱۵ تا ۲۹ سال داشتند، خود را صاحب انقلاب و سپس کشورهای‌شان می‌دانستند. زنان که پای ثابت اعتراضات بودند و جان‌فشانی‌های‌شان در جهان بر سر زبان‌ها بود، حالا دلخوش به داشتن سهم چشمگیرتر از سیاست و حقوق مدنی بیشتر بودند و میان‌سالان چشم امید به جوانان داشتند. با این حال خیلی زود، خیل جمعیتی که در خیابان‌ها چادر می‌زدند و شبانه‌روز در آنجا می‌ماندند، به خانه برگشتند و مردان مسن کهنه‌کار، با نادیده‌گرفتن زنان و جوانان، جای اسلاف‌شان را پر کردند.

رؤیای تباه‌شده

تنها نگاهی به آمار کشته‌شدگان و بی‌جاشدگان پسابهار عربی باعث می‌شود تا با جرئت نام یک شکست را بر روی آنچه در کشورهای عربی گذشت، بگذاریم. نیروهای سیاسی که تصور می‌کردند با بیرون‌راندن دیکتاتورهای کهنه‌کار می‌توانند افسار ظلم را به دست بگیرند و راه روشنی را مقابل چشم شهروندان تصویر کنند، به مرور یا در زندان‌ها شکنجه شدند (مانند دو نمونه مصر و تونس) یا مجبور به ترک دوباره کشورهای‌شان شدند (دو نمونه سوریه و لیبی).

نام بهار عربی، پیش از همه از سوی رسانه‌های غربی بر حوادث تونس و مصر و سپس برخی دیگر از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا گذاشته شد. این اصطلاح به انقلاب‌های سال ۱۸۴۸ اشاره دارد؛ سالی که موجی از دگرگونی‌های سیاسی بسیاری از کشورهای اروپا را درنوردید و در برخی موارد به سرنگونی حکومت‌های سلطنتی قدیمی و جایگزینی آنها با حکومت‌های نمایندگی‌تر انجامید. سال ۱۸۴۸ در برخی کشورها بهار ملت‌ها، بهار خلق‌ها یا سال انقلاب نامیده می‌شود. از آن زمان به بعد، تعبیر بهار برای دوره‌هایی در تاریخ به کار رفته که زنجیره‌ای از انقلاب‌ها به افزایش دموکراسی و مشارکت مردمی انجامیده است.

اما رخدادهای موسوم به بهار عربی، به‌سرعت به ضد خود تبدیل شدند؛ امری که نشان داد استفاده از لفظ بهار عربی، زودهنگام و بسیار خوش‌بینانه و حتی ساده‌لوحانه بوده است.

چرخه میان جنگ داخلی، افراط‌گرایی و اقتدارگرایی، تعریف‌کننده همه ۱۵ سال گذشته است. وقایع یکی پس از دیگری کمر به ناامیدی مردمان عرب بستند و اشتیاق را در دل آنها تبدیل به خشم، ناامیدی و مرگ کردند. هنوز مردم عادی، چه در کشورهایی که بهار عربی را تجربه کرده و چه کشورهایی که به آن تن ندادند، امکان دسترسی به قدرت را ندارند و سهم زنان از سیاست بسیار اندک است

چرخه میان جنگ

می‌توان گفت خروش و جوشش جوانان و زنان بر پدرخوانده‌های سیاست در کشورهای عربی، با نوعی بی‌برنامگی برای آینده، نبود اجماع و چالش‌های فرهنگی روبه‌رو شد که در نهایت بهار عربی را به زمین کوبید. زمان زیادی طول کشید تا معترضان دیروز، به کاستی‌های موجود در بهار عربی پی ببرند. آنها که با سه خواسته آزادی، برابری و نان وارد میدان شده بودند، متوجه شدند که راه‌حلی جادویی برای برون‌رفت از وضعیت قبلی و انتقال به فصلی تازه وجود ندارد. بازسازی اقتصاد، اجتماع و فرهنگ در کشورهایی مانند تونس، مصر و سوریه و لیبی که زیرساخت‌های سستی داشتند، ساده نبود و انقلابیون برای بهبود اوضاع برنامه‌ای نداشتند. بهار عربی هم‌زمان هم کسانی را که تصور می‌کردند می‌توان به‌سرعت با برانداختن حاکمان قدیمی به دموکراسی رسید و هم اسلام‌گرایانی را که امید داشتند با استفاده از سازوکار خود می‌توانند حکومت‌های پلیسی را کنار زده و خود در رأس امور بنشینند، ناامید کرد. از سوی دیگر آن گروه که تصور می‌کردند با رفتن سیاست‌مداران فاسد، مشکلات اقتصادی دود شده و به هوا می‌روند، هم خیلی زود به هسته سخت حقیقت برخوردند. درواقع آنجا بود که جای خالی جریان‌های فکری در پیشبرد یک جنبش ناگهان به چشم آمد.

اثرات بهار عربی بر زندگی عادی

پس از انقلاب‌های نافرجام و حتی بدفرجام عربی، دو افسانه در جهان عرب رنگ باخت. نخستین افسانه آن بود که نخبگان حاکم در جهان عرب، تا روز مرگ بر جای خواهند ماند و دوم اینکه اعراب قادر نیستند علیه نظم کهنه از جا برخیزند. بهار عربی در ابتدا اعتمادبه‌نفس ازدست‌رفته را به بسیاری از شهروندان کشورهای عربی برگرداند؛ اما در ادامه موفق نشد آن وضعیت را حفظ کند. تا پیش از وقایع خون‌بار سودان، بسیاری تصور می‌کردند انقلاب این کشور علیه عمر البشیر، سیاست‌مدار بدنام، به معنای آن است که بهار عربی همچنان زنده است و در رگ‌های آن کماکان خون جریان دارد. شکست انقلاب سودان و درافتادن این کشور به جنگی هولناک، این باور را سخت تحت تأثیر قرار داد و به ناامیدی در جوامع عربی دامن زد.

بهار عربی رمق را از خاورمیانه گرفت

آنچه پس از بهار عربی رخ داد، رمق و امید را از کشورهایی مانند مصر، لیبی، سوریه و تونس و یمن گرفت.

حتی در تونس که ابتدا به نظر می‌رسید دموکراسی شانسی برای ظهور دارد، قیس سعید، سیاست‌مدار محافظه‌کار و سخت‌گیر، چنان مخالفانش را راهی زندان کرد که به‌سرعت هر نوع امید شهروندان و انقلابیون ناامید شد. در مصر اندکی پس از جرقه‌های امیدوارکننده، دستگیری‌های گسترده و روی‌کارآمدن ژنرال سیسی نشان داد که انقلاب نمی‌تواند آن نوری باشد که انتظارش را داشتند. در لیبی، سقوط قذافی با سلسله‌ای خون‌بار از حوادث همراه شد. دیکتاتور به فجیع‌ترین شکل ممکن جان باخت و سپس جایگزینی برای او وجود نداشت. رؤیاها درمورد آزادی زنان، آزادی‌های مدنی و برابری و ثروت به گور سپرده شد و درگیری‌های خون‌بار و نابسامانی لیبی را جنگ‌زده باقی گذاشت.

جنگ داخلی پسااعتراضات در سوریه، صدها هزار نفر را کشته و میلیون‌ها نفر را آواره کرد و زیرساخت‌ها ویران شدند. از ناامنی و جنگ جان کشور را گرفت و بعد، گروه‌های جهادی سابق یک‌شبه قدرت را در دست گرفته و حکومت را پس از پنج دهه از خانواده اسد گرفتند و اقلیت‌ها را به دردسری بزرگ انداختند.

یمن حالا در آستانه تجزیه قرار دارد. صدها هزار نفر کشته شده‌اند و زیرساخت‌ها ویران مانده‌اند و جنگ با قدرت هرچه تمام‌تر ادامه دارد و دورنمایی برای بهبود اوضاع وجود ندارد. می‌توان گفت یمنی‌ها یکی از سخت‌ترین تاوان‌ها را پس از بهار عربی پرداخت کرده‌اند و حالا با گرسنگی، تشنگی، وبا، نابسامانی و القاعده دست به گریبان‌اند.

این چرخه میان جنگ داخلی، افراط‌گرایی و اقتدارگرایی، تعریف‌کننده همه ۱۵ سال گذشته است. وقایع یکی پس از دیگری کمر به ناامیدی مردمان عرب بستند و اشتیاق را در دل آنها تبدیل به خشم، ناامیدی و مرگ کردند. هنوز مردم عادی چه در کشورهایی که بهار عربی را تجربه کرده و چه کشورهایی که به آن تن ندادند، امکان دسترسی به قدرت را ندارند و سهم زنان از سیاست بسیار اندک است. حتی درمورد عربستان، کشوری که زیر سایه محمد بن‌سلمان دست به اصلاحات اساسی زده است، وضعیت زنان عادی به‌شدت دراماتیک بوده و آنها به دلیل درخواست‌های مدنی و سیاسی به زندان‌های طولانی‌مدت محکوم شده‌اند. هنوز زنانی که زمانی به دلیل درخواست اجازه رانندگی به زندان رفته بودند، همان‌جا باقی مانده‌اند و مشارکت سیاسی زنان عادی و نه شاهزاده‌خانم‌هایی که به عنوان دیپلمات به غرب می‌روند، آرزویی دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد.

بهار عربی ۱۵ سال قبل جعبه پاندورایی را باز کرد که مردم کشورها سال‌ها ناچار شدند تا برای بستن درِ آن از جان مایه بگذارند.

در غرب کمتر کسی دغدغه آیَنده خاورمیانه را دارد. برای ایالات متحده و اروپا، حاکمان اقتدارگرا از سیسی گرفته تا بن‌سلمان شرکای قابل اعتمادتری تا انقلابیون ناشناخته هستند و به‌همین‌دلیل حمایت از اقتدارگرایی عربی، در تمام ۱۵ سال گذشته سیاست رسمی این کشورها بوده است. جوانانی که ۱۵ سال قبل به خیابان آمدند، حالا در آستانه میانسالی، کمتر امیدی به آینده دموکراتیک دارند. گروهی از آنها، رؤیای زندگی در کشوری بهره‌مند از نظر اقتصادی را در سر دارند و برخی دیگر به اینکه حالا پس از سال‌ها ناامنی، از اندک امنیتی برخوردارند، کفایت می‌کنند. شعله‌های امید در خاورمیانه و شمال آفریقا خاموش شده و نشان می‌دهد شیفتگان انقلاب، پس از شکستی جبران‌ناپذیر، بهتر است در رویکرد و خواسته‌های خود تجدیدنظر کرده و برای بیدار نگه‌داشتن شعله‌های امید، دست به دامان اندیشه‌ورزان و متخصصان شوند.

گزارش

حذف ۱۶ سند پرونده «اپستین»

کمتر از ۲۴ ساعت پس از آنکه صدها سند و تصویر درباره جفری اپستین، سرمایه‌دار بدنام و محکوم به جرائم جنسی، در وب‌سایت وزارت دادگستری آمریکا منتشر شد، تعداد ۱۶ سند و تصویر بدون هیچ توضیحی حذف شدند. پرونده‌های حذف‌شده که تا روز جمعه روی سایت وجود داشته و روز شنبه دیگر قابل دسترسی نبودند، شامل تصاویری از نقاشی‌هایی با مضمون زنان و نیز تصویری بود که عکس‌هایی را روی یک بوفه و داخل کشوها نشان می‌داد. وزارت دادگستری آمریکا روز شنبه به پرسش‌ها درباره علت حذف‌شدن این پرونده‌ها پاسخ نداد، اما در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد: «عکس‌ها و سایر موارد مطابق قانون همچنان مورد بازبینی و حذف اطلاعات حساس قرار خواهند گرفت و این کار با احتیاط زیاد انجام می‌شود تا با دریافت اطلاعات تکمیلی مطابقت داشته باشد».

اسناد منتشرشده شامل عکس‌هایی بود که پیش‌تر هرگز دیده نشده بودند؛ از جمله تصاویر بیل کلینتون، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در یک استخر شنا و نیز با لباس سنتی در کنار اپستین و همچنین تصاویری از کلینتون در کنار موسیقی‌دانانی چون میک جَگر، مایکل جکسون و دایانا راس. در کنار اینها، عکس‌هایی از اپستین با بازیگرانی چون کریس تاکر و کوین اسپیسی و نیز اندرو مانتبتن-وینزور دیده می‌شد که در وضعیت مناسبی قرار نداشت. نوام چامسکی نیز در چندین عکس منتشرشده در کنار اپستین دیده می‌شود. هیچ‌یک از افرادی که در این تصاویر حضور دارند، هنوز در ارتباط با جرائم اپستین به ارتکاب تخلف یا جرم متهم نشده‌اند. این ماجرا نگرانی‌هایی را که پیش‌تر در پی انتشار اسناد بسیار مورد انتظار وزارت دادگستری در روز جمعه پدید آمده بود، تشدید کرد. جمعه روز ضرب‌الاجل تعیین‌شده طبق «قانون شفافیت پرونده‌های اپستین» بود؛ قانونی که ۱۹ نوامبر به امضا رسیده و لازم‌الاجرا شده بود.

گام‌های نهایی برای توافق بر سر تضمین‌های امنیتی به اوکراین

خوش‌بینی محتاطانه در پایان مذاکرات میامی

پس از پایان سه روز مذاکرات چندجانبه در شهر میامی ایالت فلوریدا برای رسیدن به توافق آتش‌بس میان اوکراین و روسیه، نمایندگان ایالات متحده از یک سو و نمایندگان اروپایی و اوکراین از سوی دیگر، از پیشرفت ملموس در این دیدارها خبر دادند. اما در سوی دیگر ماجرا گزارش شده که ولادیمیر پوتین از ایده اولیه تصرف کامل اوکراین به‌طورکامل منصرف نشده و درصدد فرصت مناسبی در آینده برای تحقق چنین هدفی است.

استیو ویتکاف، نماینده ویژه دونالد ترامپ، پس از مذاکرات سه‌روزه در میامی با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «هیئت اوکراینی طی سه روز گذشته در فلوریدا، مجموعه‌ای از جلسات سازنده و پربار را با شرکای آمریکایی و اروپایی برگزار کرد. اعضای هیئت اوکراینی شامل رستم عمروف، دبیر شورای امنیت و دفاع ملی اوکراین و سپهبد آندری هنتوف، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح اوکراین بودند».

اعضای هیئت آمریکایی هم استیو ویتکاف، فرستاده ویژه دونالد ترامپ، جرد کوشنر، داماد رئیس‌جمهور آمریکا و جاش گرونباوم، از مقام‌های کاخ سفید، اعلام شدند که در کنار مشاوران کلیدی امنیت ملی از اروپا در این نشست‌ها شرکت داشتند.

ویتکاف افزود: «یک جلسه سازنده جداگانه نیز در قالب نمایندگان ایالات متحده و اوکراین برگزار شد که طی آن، چهار سند کلیدی بر موارد زیر متمرکز شد: توسعه بیشتر یک طرح ۲۰ ماده‌ای، همسوسازی مواضع درمورد چارچوب تضمین امنیتی چندجانبه، همسوسازی مواضع در مورد چارچوب تضمین امنیتی ایالات متحده برای اوکراین و توسعه بیشتر درمورد یک طرح اقتصادی و رفاه».

او ادامه داد: «اوکراین به دستیابی به یک صلح عادلانه و پایدار متعهد است. اولویت مشترک ما توقف جنگ، تضمین امنیت و ایجاد شرایطی برای بهبود، ثبات و رفاه بلندمدت اوکراین است. صلح نه‌تنها باید به معنای توقف خصومت‌ها باشد، بلکه باید پایه و اساسی آبرومند برای آینده‌ای پایدار باشد... اوکراین برای رهبری و حمایت ایالات متحده و هماهنگی نزدیک و مداوم با شرکایش در مراحل بعدی این کار مهم، ارزش زیادی قائل است».

به نوشته ایندیپندنت، این گفته‌های فرستاده ویژه ایالات متحده پس از آن مطرح شد که الکساندر استاب، رئیس‌جمهوری فنلاند، روز یکشنبه اشاره کرد مذاکره‌کنندگان بیش از هر زمان دیگری در طول جنگ، به دستیابی به یک توافق صلح بین روسیه و اوکراین نزدیک شده‌اند. او همچنین از دیپلماسی ایالات متحده و فشار تحریم‌ها بر نفت روسیه در حالی که مذاکرات وارد مرحله‌ای می‌شوند که او آن را دشوارترین مرحله نهایی خود توصیف کرد، تمجید کرد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در منطقه ثبت اسناد و املاک جنوب شرق اصفهان تصرفانه مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود و در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی دارند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این منطقه تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند و گواهی طرح دعوا را به این منطقه ثبتی ارائه نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۱۱۹۰۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای آرش حاجیان نیا به شناسنامه شماره ۴۴۹۸۹ کد ملی صادره فرزند محمود در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی و با درج اعیانی بنایی احداثی به مساحت ۸۵۶۲ متر مربع پلاک شماره ۱۳۵ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید بموجب سند شماره ۱۲۵۰۹۴ قسمتی از پلاک در سهم ارش حاجیان به ولایت پدرش قرار گرفت) محرز گردیده است.

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۱۱۸۹۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای آرش حاجیان نیا به شناسنامه شماره ۴۴۹۸۹ کدملی صادره فرزند محمود در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی و بدون درج اعیانی به مساحت ۱۸۶۰۷/۳۳متر مربع پلاک شماره ۱۳۵ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید بموجب سند شماره ۱۲۵۰۹۴ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۱۱ دفتر ۲۰ اصفهان قسمتی از پلاک در سهم ارش حاجیان به ولایت پدرش قرار گرفت) محرز گردیده است

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۱۱۸۹۶ مرخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای آرش حاجیان نیا به شناسنامه شماره ۴۴۹۸۹ کد ملی صادره فرزند محمود در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی و بدون درج اعیانی به مساحت ۱۵۲۱۶/۳۰متر مربع پلاک شماره ۱۳۵ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید بموجب سند شماره ۱۲۵۰۹۴ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۱۱ دفتر ۲۰ اصفهان قسمتی از پلاک در سهم ارش حاجیان به ولایت پدرش قرار گرفت محرز گردیده است.

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۱۱۸۹۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای خانم آندیا حاجیان نیا به شناسنامه شماره کدملی صادره فرزند آرش در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی و بدون درج اعیانی به مساحت ۵۸۸۹۸ متر مربع پلاک شماره ۱۳۵ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأئید (انتقال عادی از طرف ارش حاجیان که بموجب سند شماره ۱۲۵۰۹۴ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۱۱ دفتر ۲۰ اصفهان قسمتی از پلاک در سهم ارش حاجیان به ولایت پدرش قرار گرفت) محرز گردیده است .

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۱۱۸۹۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای آراد حاجیان نیا به شناسنامه شماره کدملی صادره فرزند آرش در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی و بدون درج اعیانی به مساحت ۲۶۷۰۱/۷۴متر مربع پلاک شماره ۱۳۵ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان (انتقال عادی از طرف ارش حاجیان که بموجب سند شماره ۱۲۵۰۹۴ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۱۱ دفتر ۲۰ اصفهان قسمتی از پلاک در سهم ارش حاجیان به ولایت پدرش قرار گرفت) محرز گردیده است.

شناسه ۲۰۶۵۸۸۱

حمیدرضا خسروی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک جنوب شرق اصفهان ۵۷۱۳

نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ نوبت دوم : ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

بدینوسیله اعلام میگردد کارت بازرگانی به شماره ۲۷۹۰۱۷۲۶۲۵ به نام **محمد نجف زاده** باکد ملی ۲۷۹۰۱۷۲۶۲۵ درتاریخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR